

پای صحبت
دکتر محمود مهر محمدی

معلم هنرمند، معلم خلاق

گفت و گو: حمید قاسم زادگان جهرمی



دکتر محمود مهر محمدی، متولد سال ۱۳۳۷ در تهران است. وی پس از گذراندن دوران تحصیل در رشته ریاضی فارغ التحصیل و در سال ۱۳۵۵ عازم کشور آمریکا شد و ظرف مدت سه سال در رشته تکنولوژی ساختمان لیسانس خود را کسب کرد. در سال‌های انقلاب، تحت تأثیر فضای داخلی کشور برای مقطع فوق لیسانس به رشته علوم تربیتی و تکنولوژی آموزشی گرایش پیدا کرد و در بدو ورود به کشور به عنوان کارشناس در وزارت علوم مشغول به کار شد. بعد از چند سال دوباره برای کسب دکترای برنامه‌ریزی به آمریکا مراجعت کرد و با فراغت از تحصیل و بازگشت به ایران، تاکنون سمت‌های بسیاری را برعهده داشته است. مسئولیت مرکز برنامه درسی و آموزشی، مشاور وزیر آموزش و پرورش در سال ۱۳۶۸، سرپرست مدارس جمهوری اسلامی در اروپا، مدیریت گروه تعلیم و تربیت و اجرای دوره دکترای برنامه‌ریزی درسی، عضویت در شورای عالی آموزش و پرورش و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی و مدرس دانشگاه‌های متعدد از جمله تربیت مدرس از سمت‌های ایشان به‌شمار می‌رود. وی در حال حاضر در دانشگاه تربیت مدرس، عضو هیئت علمی بوده و به کار تدریس نیز می‌پردازد.

■ برای تقویت و توانمندسازی معلمان در درس هنر چه رویکردهایی قابل پیشنهاد است؟

□ همان طور که می دانیم، معلمان با سیستم و برنامه های از پیش تعیین شده ای مواجه هستند که این برنامه ها به صورت متمرکز در تمام رشته ها تولید می شود. لذا در تعریف نقش معلم باید به برنامه درسی توجه داشت. و این که مطالبات برنامه های درسی است که برای ما انتظارات از یک معلم را تعیین می کند. معلمان ما اگر پاسخگوی انتظارات برنامه باشند، می شود گفت که اجمالاً از کارایی و کفایت نیز برخوردارند؛ اما اگر پاسخگو نباشند، در این زمینه با نقصان مواجه اند. بنابراین باید از انتظارات برنامه درسی نسبت به معلمان آگاه شد.

در عرصه هنر و آموزش آن، رویکردهای متفاوتی را می توان تعریف کرد و هر یک از برنامه های درسی را در تربیت هنری نسبت به توانمندی معلمان تحلیل نمود. از طرفی به این نکته هم باید توجه داشت که معلمان توانمند هنر نیازمند آموزش تخصصی در حوزه های مختلف هنری هستند و این که حوزه های هنر در نظام آموزشی و اولویت های آن ها کدام اند. معلم توانمند باید در حدی از مهارت و کارشناسی در چنین حوزه هایی باشد تا واجد صلاحیت به حساب آید. هم چنین آموزش و ارزشیابی دو مقوله مهم است که علاوه بر موارد ذکر شده می توان به آن اهمیت بالایی داد.

آموزش هنر از حیث توانمندی های حرفه ای، مهارت های ویژه ای را طلب می کند و این به دلیل پیچیدگی های این عرصه است. بنابراین یک معلم آرموده باید با شیوه های مختلف آموزش و ارزشیابی از عملکرد دانش آموز نیز آشنا باشد. زیرا در سنجش نیز ما با اختصاصاتی مواجه هستیم. در سنجش دانش آموزان هنر، آزمون قلم و کاغذی و یا شیوه های متعارف به سرانجام نمی رسد و این نیز به مهارت های معلم برمی گردد که چگونه بتواند به ارزشیابی مناسب از دانش آموز در رشته خاصی از هنر بپردازد. به طور کلی نکته قابل توجه در توانمندی معلمان رفع نیاز آن ها برای رسیدن به صلاحیت های تخصصی و حرفه ای برمی گردد. در بخش صلاحیت های حرفه ای دو نکته حائز اهمیت است: اول صلاحیت های مربوط به آموزش و دوم شیوه های ارزشیابی و سنجش دانش آموزان. برای ارتقای کیفیت آموزشی هنر در مقطع ابتدایی باید به تربیت معلم تخصصی و حرفه ای در دوره ابتدایی توجه زیادی داشت که ما از این جهت با کمبود فراوانی روبه رو هستیم. در حال حاضر معلمان ابتدایی

ما نمی توانند این نیاز را در برنامه درسی رفع کنند.

■ بین معلم هنرمند و هنرمند معلم چه تفاوت ها و تشابه هایی مشاهده می کنید و کدام یک در نظام آموزشی برترند؟

□ معلم هنرمند، همان معلم خلاق است که به شکل کلیشه ای انجام وظیفه نمی کند. صرف نظر از موضوع آموزش، معلم هنرمند باید هوشمندانه عمل کند و دارای سیاست ذهنی و انعطاف باشد. معلم هنرمند نه تنها در حوزه هنر بلکه در تمام مقاطع مورد نیاز است و اگر از کلیشه ها فاصله بگیرد، بیش تر از این ویژگی برخوردار می شود. اما هنرمند معلم، فردی است که در شاخه ای از هنر خبره و کارشناس بوده و از آن طریق نقش معلم را کسب کرده است. البته در عرصه هنر ما نیازمند فردی هستیم که هر دو ویژگی را در کنار هم دارا باشد و این که معلمان ما باید دارای صلاحیت دانشی و تخصصی لازم باشند (هنرمند معلم) و نیز از آنان انتظار می رود که کلیشه ای و قالبی عمل نکنند (معلم هنرمند).

■ وضعیت آموزش هنر در مدارس چگونه است؟

□ اظهار نظر قطعی در مورد این سؤال از طرف بنده صحیح نیست؛ زیرا ما به صورت مستقیم با این موضوعات در ارتباط نیستیم، اما با توجه به وضعیت عمومی که در آموزش و پرورش سراغ دارم، می توانم قضاوت کلی در این باره داشته باشم.

ما به طور کلی در زمینه تربیت و جذب نیروهای دارای استعداد برتر موفق نیستیم، چون این قاعده کلی را باور دارم و حتی شواهدی وجود دارد که حکایت از ضعف در این سیستم می کند.

■ با توجه به آن که در حال حاضر مشکل اصلی

درس هنر کمبود ساعات درسی است، دبیران هنر چگونه می توانند با خلاقیت این خلاء را پاسخگو باشند؟

□ ابتدا لازم است از انتظاراتی که باید از معلمان داشت آگاهی پیدا کرد و پیش از هر چیزی یک معلم هنر را تعریف نمود. مسلماً تمرکز روی دبیران هنر نتیجه مثبتي به همراه خواهد داشت و در برطرف کردن ضعف ها کمک شایانی خواهد کرد. اما در پاسخ باید کمی فراتر از موضع دبیران و نقش آن ها رفت. همه دست اندرکاران آموزشی باید نسبت به برطرف کردن کاستی ها در این زمینه متعهد باشند و به عبارتی همه باید در تربیت هنری به نوعی خادم این امر گردند. حتی برای ایجاد بصیرت باید به دبیران دیگر حوزه ها نیز تا حدی آموزش داده شود، تا سواد بصری آن ها باعث

باید برای معلمان مان کاملاً احراز گردد که تربیت هنری امری خطیر است و تحقق اهداف مربوطه به تنهایی از دبیران هنر ساخته نیست، پس برای رفع کمبود زمان در درس هنر باید از معلمین دروس دیگر نیز برای تربیت هنری استفاده کرد

در عرصه هنر و آموزش آن، رویکردهای متفاوتی را می توان تعریف کرد و هر یک از برنامه های درسی را در تربیت هنری نسبت به توانمندی معلمان تحلیل نمود

معلم هنرمند، همان معلم خلاق است که به شکل کلیشه ای انجام وظیفه نمی کند. صرف نظر از موضوع آموزش، معلم هنرمند باید هوشمندانه عمل کند و دارای سیاست ذهنی و انعطاف باشد

آموزش هنر از حیث توانمندی های حرفه ای، مهارت های ویژه ای را طلب می کند و این به دلیل پیچیدگی های این عرصه است. بنابراین یک معلم آزموده باید با شیوه های مختلف آموزش و ارزشیابی از عملکرد دانش آموز نیز آشنا باشد

پیشرفت و رشد در عرصه آموزش و تربیت گردد. البته ما این بصیرت را در کمتر دبیری می بینیم و شاید یکی از رسالت های مجله شما می تواند این نکته باشد که جایگاه هنر و تربیت مطلوب انسان تراز کشور و جامعه پیچیده امروز را بتوانیم به درستی تبیین کنیم و مخاطبان مان را از این نگاه محدود دور سازیم. هم چنین باید برای معلمان مان کاملاً احراز گردد که تربیت هنری امری خطیر است و تحقق اهداف مربوطه به تنهایی از دبیران هنر ساخته نیست، پس برای رفع کمبود زمان در درس هنر باید از معلمین دروس دیگر نیز برای تربیت هنری استفاده کرد.

دبیران سایر دروس می توانند این امر خدمت رسانی به تربیت دروس را از طریق طراحی فعالیت های هنری و تولیدات هنری پیش بگیرند. راه دیگر، آشنایی با دروس و ارتباط آن ها با امر زیبایی شناختی و استفاده از فرصت های ناب برای آموزش است؛ مثل درس ریاضی و فرمول های آن، تصاویر هندسی و یا بحث زیبایی شناسی در تصاویر روایت های تاریخی و موارد بسیاری دیگر که توجه دانش آموزان را از طریق زیبایی شناسی هنری به درس مربوطه جلب نمایند.

■ در برنامه ریزی درسی اعتقاد بر این است که هنرهای بومی اصیل باید در درس هنر گنجانده شوند؛ آیا حذف بعضی شاخه های هنری منطقی است؟

□ ما باید با حوزه هنری در درس هنر و در جریان تربیت هنری باید به صورت جامع برخورد نماییم و از آن جا که این برنامه درسی باید برنامه جامعی باشد، پس بومی و غیربومی کردن آن مفید نیست. هر اثر و ماده هنری حاوی پیام زیباشناختی خاصی بوده و هر یک از حوزه های هنر معرف یک نظام نمادین است. رمزگشایی نمادها، نیاز به سواد دارد و اگر این سواد را نداشته باشیم، از بخشی از تجربیات بصری محروم هستیم. مثل موسیقی که اگر سواد آن را نداشته باشیم، فقط یک قطعه از اصوات آهنگین بی معنا را می شنویم. پس در حال حاضر سواد محدود به خواندن و نوشتن نیست. بنابراین اگر نظام آموزشی دانش آموزان را تنها با همان زبان نوشتاری تربیت نماید، در این مقطع زمانی کافی و پذیرفته نیست و به هر میزان این سیستم در مورد موضوع تربیت بصری و هنری بی اهمیت باشد، خروجی هایمان نیز افراد و معلمینی مورد انتظار نخواهند بود.

■ معلمان هنر چگونه می توانند در تربیت هنری و معرفی چهره های جدید دانش آموزان هنرمند موفق شوند؟

□ معلمان با مطالعه تاریخ هنر و کمک گرفتن از آثار

مهم در تاریخ هنر، می‌توانند زمینه آموزش را جذاب‌تر کنند؛ چنان‌که دانش‌آموز از نگاه کاربردی و زیباشناختی به هنر توجه نماید. رویکردهای مختلفی در تربیت وجود دارد که معلم باید هوشمندانه رویکرد مناسب را انتخاب کند.

■ آسیب‌شناسی در زمینه توانمندسازی معلمان

هنر از چه مسیرهایی می‌تواند صورت گیرد؟

□ این‌که به آسیب‌شناسی معلمان از طریق بررسی عملکرد دانش‌آموزان بپردازیم، کاری بسیار منطقی است، که باید در سطوح مختلف مثل ملی، منطقه‌ای و استانی صورت گیرد. با سنجش عملکرد هنری دانش‌آموز به عنوان حوزه کاملاً حیاتی در سطح تعلیم و تربیت به آن دسته از آسیب‌ها و ضعف‌ها که در بحث آموزش مطرح است تا حدی خواهیم رسید.

در کشورهای دیگر برای سنجش عملکرد دانش‌آموزان و تأثیر آن در حوزه‌های ملی به تدارک برنامه‌های مختلف سنجش می‌پردازند. ما نیز باید در سنجش ملی به امر تربیت هنر بپردازیم و در صورت عملکرد ضعیف دانش‌آموزان به دنبال ارائه دلیل و راه‌حل آن باشیم تا به جایی برسیم که تربیت هنری در نظام آموزشی مورد عنایت واقع شود.

البته تنها آسیب‌شناسی معلمان کافی نیست؛ چرا که نظام آموزشی نیز کاملاً قوی نیست. اما نه تنها سنجش بلکه توجه به برنامه درسی و بررسی آن و دستیابی به ضعف‌هایش نیز می‌تواند به توانمندسازی معلمان و کامل کردن برنامه درسی راه بهینه‌ای باشد.

■ چگونه می‌توان در زمینه پژوهش در معلمان

ایجاد انگیزه کرد؟

□ معلمان برای بالابردن سطح آگاهی خود می‌توانند با پژوهش و مطالعه این راه را طی نمایند و حتی دانش‌آموزان را درگیر فعالیت‌های پژوهشی کنند. برای ایجاد انگیزه ما نیز باید توجه داشته باشیم که تا چه اندازه برای هنر در نظام آموزشی اهمیت قائل می‌شوند. مجموعه تصمیمات گرفته شده در نظام آموزشی حامل پیام برای معلمان، والدین و دانش‌آموزان بوده و اگر هنر جایگاه خود را در حاشیه نگاه دارد و تغییر ندهد، فعالیت‌های پژوهشی هیچ ارزشی ندارد. باید بدانیم پژوهش در راستای هنر علاوه بر کسب اطلاعات هنری برای دیگر افراد نیز می‌تواند در زندگی نقش بسزایی داشته باشد.

■ با توجه به آن‌که در کتاب‌تان اشاره کرده‌اید:

«نگریستن به دنیا از دریچه زیباشناسی، توانمندی دیگری است که هنر در دانش‌آموزان پرورش می‌دهد» مفهوم این زیبایی‌شناسی چیست؟ و چگونگی تقویت زیبایی‌شناسی در معلمان را توضیح دهید.

□ زیباشناسی یعنی درک زیبایی‌ها و لذت بردن از آن. یکی از مهم‌ترین کارکردها این است که آحاد انسان‌ها بتوانند به این جنبه جامه عمل بپوشانند. این از ابعاد مهم وجودی انسان است و نظام آموزشی که نسبت به تربیت هنر غفلت می‌کند، نسبت به بعد انسانی نیز چشم‌پوشی کرده است. این زیباشناسی جنبه عام و خاص دارد.

لذت بردن از زیبایی در شکل عام زمانی صورت می‌گیرد که انسان در مقابل پدیده‌های طبیعی و یا مصنوعی کاربردی نگاه زیباشناسی داشته باشد. بنابراین باید این نگاه زیباشناسانه را در دانش‌آموزان رشد دهیم و کسانی که در ساخت محیط تأثیر زیادی دارند، لازم است در تصمیمات خود بُعد زیبایی را رعایت کنند. در سطح خاص نیز دانش‌آموز باید در تربیت هنری مورد توجه قرار گیرد تا با دیدن یک اثر هنری و شناخته شده بتواند ملاک‌های زیباشناسانه آن اثر را درک نماید.

■ کار ویژه‌ای که برای مجله ما لازم است تا

بتواند به وسیله آن‌ها به تربیت هنری کمک کند، چیست؟

□ انعکاس تجارب عملی معلمان خلاق در حوزه هنر و معلمانی که در حوزه‌های دیگر تدریس می‌کنند و خدمت‌رسان و یاری‌رسان هنر بوده‌اند، یکی از کارویژه‌هاست. باید سراغ آن‌ها رفت تا جایگاهی در مجله داشته باشند. طرح ایده‌ها و اندیشه‌های جدید معلمان از جمله آموزشی و سنجشی چه در کشور و چه در خارج از کشور، که باید به نقد و بررسی و بحث در این باره بپردازید. هم‌چنین انعکاس آثار و اندیشه‌های دانش‌آموز نه تنها آثار هنری، بلکه نقد هنری باید در مجله شما از جایگاه خاصی برخوردار باشد. از سوی دیگر، مجله شما باید معرف مراکز مهم و مفید بوده و یکی از کارویژه‌های مجله رشد، جلب توجه مدیران و سیاست‌گذاران به عرصه هنر باشد تا با حمایت منطقی جایگاه هنر را تقویت نمایند و این را باور داشته باشند که هنر محروم است و با کمک معرفی منابع فراوان که در حوزه هنر موجود است، به بررسی ضعف‌های برنامه درسی هنر بپردازند. بدین ترتیب، مجله می‌تواند نقش کوچکی در بازگرداندن هنر به متن نظام آموزشی داشته باشد.